

مطالعه تطبیقی قالی ایرانی در سفرنامه سیاحان خارجی دوران صفوی و قاجار با رویکرد شرق‌شناسی

علیرضا مرادی*

سحر دیانتي**

تاریخ دریافت: ۹۹/۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۹/۲۸

چکیده

سفرنامه‌ها، روایت سیاحان از ویژگی‌های گوناگون سرزمین‌های میزبان است. توصیف جوامع مقصد عموماً از زاویه دید سیاح و با تکیه بر پس‌زمینه‌ها، پیشینه‌ها و برخی کلیشه‌های ذهنی صورت می‌گیرد. توجه به قالی ایرانی در سفرنامه‌های سیاحان غربی، همواره با نوعی قضاوت در باره کاربردها و کیفیت آن همراه بوده است. تاکنون بررسی معینی درباره این که ریشه چنین داوری‌هایی چیست و چنین توصیف‌هایی چگونه باید فهمیده شوند، صورت نگرفته است. مسئله اصلی بررسی حاضر، شناخت این دیدگاه‌ها در مواجهه با قالی ایرانی طی دوران صفویه و قاجار است. هدف این مقاله علاوه بر فهم دیدگاه‌های حاکم بر سفرنامه‌ها در دو دوره صفویه و قاجاریه پیرامون قالی ایرانی، تبیین منطق و نگرش حاکم بر آنهاست. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تطبیقی و رویکرد شرق‌شناسی ادوارد سعید، انجام و برای تحلیل داده‌ها از روش کلایزی استفاده شده است. نتایج بررسی نشان داد که توصیف قالی ایرانی در سفرنامه‌های دوره صفویه آمیخته با «حفظ منافع گیرنده»، «حقارت شرق»، «جدا کردن راه خود از شرق» و «معادل‌سازی» همراه بوده است. توصیف قالی ایران در سفرنامه‌های دوره قاجار علاوه بر مولفه‌های ذکر شده با «برتری مغرب»، «کلیشه‌سازی»، و «حقایق فرضی» آمیخته است. بر اساس نتایج این تحقیق، تعامل کم سیاح با عامه مردم، دلیل عدم وجود مؤلفه «برتری مغرب» در سفرنامه‌های دوره صفویه است همچنین، برتر دانستن قالی‌های صفویه در دوره قاجار از دیدگاه سیاح عصر قاجار، و در نتیجه برساخت نوعی معینی تاریخ، به ترتیب منجر به شکل‌گیری مولفه‌های «حقایق فرضی» و «کلیشه‌سازی» شده است.

کلیدواژه‌ها: شرق‌شناسی، سفرنامه، قالی ایرانی، کلایزی، صفویه، قاجاریه

Email: ali298@gmail.com

Email: sdianati@yahoo.com

*. دانشجوی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فرش دانشگاه هنر (نویسنده مسئول).

مقدمه

نوشتن از هنر قالی‌بافی با توصیف‌های گزنفون^۱ از زمان حضورش در ایران آغاز شد و به تدریج در یادداشت‌های سفرنامه‌نویسان دوره‌های پس از آن ادامه یافت. سفرا و نمایندگان کشورهای غربی؛ مورخین، باستان‌شناسان؛ مجموعه‌داران و علاقه‌مندان آثار باستانی؛ مجموعه‌ای از این مسافران هستند. آنان در اثنای مسافرت خود، قالی ایرانی را در موقعیت‌های متفاوتی مشاهده کرده و هرکدام توصیف‌های منحصر به خود را در یادداشت‌هایشان نگاشته‌اند که از اوضاع زندگی مردم عادی گرفته تا وضع دربار پادشاهان را در بر می‌گیرد.

قالی ایرانی نه تنها به‌عنوان یک اثر هنری، بلکه به عنوان عنصری همواره حاضر در اکثر رخداد‌های زندگی یک ایرانی، نقش آفرین است: بخش جدایی‌ناپذیری از معماری اندرونی خانه‌های ایرانیان؛ عنصری همیشه حاضر در زندگی روزمره، بستری برای غذاخوردن، دعا، نیایش و خواب؛ بخشی از جهیزیه دختر ایرانی، رواندازی برای مقابر، هدیه‌ای در خور شاهان، قالی‌بافی پیشه‌ای دیرینه با نقشی یگانه در اقتصاد سده‌های متمادی. در دوره صفویه به دلیل علاقه شاهان، خصوصاً شاه عباس به ایجاد روابط بین‌المللی و فرا مرزی با کشورهای غربی و اعمال برخی اصلاحات در حوزه تجارت، برقراری امنیت راه‌های تجاری و همچنین علاقه متقابل پادشاهان غربی به ایجاد روابط سیاسی با دولت ایران، تعداد قابل توجهی از نمایندگان، سفرا و تجار دیگر سرزمین‌ها وارد ایران شدند. در این دوره بافت قالی‌های باشکوهی آغاز شد که اینک زینت‌بخش تالار موزه‌ها در سرتاسر گیتی هستند.

تاورنیه (۱۳۳۶: ۵۷۸)، جهانگرد فرانسوی عصر شاه عباس در مورد کارگاه‌های شاهی می‌نویسد:

«کارخانه عبارت از خانه دستگاه‌های تولیدی است که در آن جا قالی‌های اعلی از طلا و نقره یعنی زری و ابریشم و پشم، و پارچه‌های زری اعلی و مخمل و تافته و سایر اقلام حریر بافته می‌شود.»
در مقابل تولیدات نظام‌مند در دوره صفویه، نوعی در هم‌ریختگی و پراکندگی تولید آثار هنری در دوره

قاجاریه وجود داشت. دالمانی مسافر هنرشناس فرانسوی عصر قاجار در رابطه با کارگاه‌های تولید قالی، تصاویری خلاف دلاواله ارائه کرده است:

در ایران هر صنعتگری به تنهایی کار می‌کند و همین قوای پراکنده قوه کلی صنعتی ملی را تشکیل می‌دهد. [...] بازار به منزله کارخانه بزرگی است و حیات تجاری در همین جا تمرکز یافته است. مواد خام در اطاق‌های کوچک و کثیف که غالباً در عقب دکان‌ها واقع شده‌اند بصورت اشیاء صنعتی در می‌آیند صنعت عمده و قابل ملاحظه ایران فقط صنعت فرش‌بافی و نساجی است (دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۱۹).

تفاوت کیفیت قالی‌های تولیدی دوره صفویه و قاجاریه ناشی از تفاوت در مدیریت کارگاه، رنگرزی و کیفیت الیاف قالی است. برخی از این سیاحان، بخشی از مشاهدات خود را به توصیف قالی اختصاص داده‌اند. پژوهش حاضر تلاش می‌کند دیدگاه‌ها و آرای سفرنامه‌نویسان غربی را در دو دوره صفویه و قاجاریه در رابطه با قالی ایرانی، دریابد و به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های آنان با یکدیگر بپردازد.

بیان مسئله و هدف تحقیق

پژوهش‌های صورت گرفته در مورد قالی در ایران عمدتاً درون متنی بوده و عموماً به بررسی روابط درونی قالی نظیر تحلیل نقوش، آرایه‌ها و آدین‌های آن پرداخته‌اند، حال آن‌که زمینه‌های بیرونی تولید قالی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. از جمله این موارد می‌توان به مواجهه سیاحان با کاربردهای قالی در جامعه ایرانی (نظیر پیچیدن مرده در قالی و یا خوابیدن بر روی آن) اشاره کرد که در سفرنامه‌های مختلف مورد پرسش و گاه حتی تحقیر قرار گرفته است. بررسی این زمینه‌های بیرونی از آنجا اهمیت دارد که به تدریج مبدل به بخشی از آگاهی ایرانی در باره قالی ایرانی شده است و یا بر گفتمان‌های متعارف درباره ماهیت قالی ایرانی تأثیر گذار بوده است. از جمله این موارد می‌توان به انتقاد از کیفیت قالی‌های عصر قاجاریه و (در بسیاری از موارد) مقایسه آن‌ها با قالی‌های دوره صفویه ذکر کرد. مشاهده

چنین مواردی، ما را با این پرسش رویارو می‌سازد که چرا چنین نگاهی در میان سیاحان وجود داشته و انگیزه بیان چنین مطالبی چه بود و گوینده آن از چه پیش زمینه‌ای برخوردار بوده یا با تکیه بر کدام نگرش چنین قضاوت‌هایی داشته است؟

مسئله تحقیق حاضر این است که تاکنون پیش زمینه‌ها و دیدگاه‌های سیاحان غربی درباره مسایلی چون کاربردهای قالی و نیز کیفیت آن‌ها مورد بازشناسی قرار نگرفته است. از این رو نقطه تمرکز مقاله حاضر، بازشناسی همین دیدگاه‌ها است و هدف آن فهم نقطه نظرات موجود در سفرنامه‌های مختلف دو دوره صفویه و قاجاریه پیرامون قالی ایرانی و توضیح منطق حاکم بر آنها با تکیه بر آرای ادوارد سعید است. برای دستیابی به این منظور، سفرنامه‌های عصر صفویه و قاجاریه از جنبه نوع مواجهه با قالی ایرانی مورد بررسی قرار می‌دهد.

پیشینه پژوهش

در مورد سفرنامه‌ها، بررسی‌های زیادی انجام شده که به جوانب متفاوتی از آنها پرداخته‌اند. به طور مثال مقاله «فرهنگ و شخصیت ایرانیان در سفرنامه‌های خارجی» (میرزایی و رحمانی، ۱۳۸۷)، به تحلیل فهم سنت سفرنامه‌های غربی از ایران پرداخته و اینگونه نتیجه می‌گیرد که اطلاق و تعمیم برخی از صفات ایرانیان، نشأت گرفته از وجود نگرش کل‌گرایانه سفرنامه‌نویسان عهد صفویه و قاجار است. اسماعیلی و همکاران، (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی اخلاق اجتماعی ایرانیان در سفرنامه‌های اروپایی (سفرنامه‌های دوره صفویه و قاجار)» و نیز زینی‌وند و امیری، (۱۳۹۶)، در مقاله «تصویرشناسی فرهنگی ایرانیان در آینه سفرنامه پولاک»، و برخی دیگر محققین^۲ همگی به بررسی وجوه مختلف زندگی ایرانیان در خلال سفرنامه‌های عصر صفویه و قاجار پرداخته‌اند.

گروهی دیگر از بررسی‌ها، به تأمل در نگاه شرق‌شناسانه سفرنامه‌نویسان پرداخته‌اند که از جمله باید مقاله «ویژگی‌های شرق‌شناسانه نگاه لرد کرزن به ایران» (بابامیر ساطحی، ۱۳۹۷)، را نام برد که با تکیه بر آرای ادوارد سعید انجام گرفته است. تأثباتی و

حیدری (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی گفتمان پسااستعماری و نمودهای آن در ترجمه سفرنامه یکسال در میان ایرانیان» با تکیه بر تئوری‌های منتقدین پسااستعماری از جمله ادوارد سعید، سفرنامه ادوارد براون را مورد بررسی قرار داده است. زند (۱۳۸۹) در مقاله «بررسی تطبیقی پژوهش‌های ایران‌شناسی غربی و شرق‌شناسی (با تکیه بر بازنمایی فرهنگ مردم ایران در سفرنامه‌های اروپاییان در دوره قاجار)» با بررسی نقادانه سفرنامه‌های قاجار به این نتیجه رسیده است که بسیاری از روش‌های گفتمان شرق‌شناسی در سفرنامه‌های دوره قاجار دیده نمی‌شود. در مقاله «دوسوگرایی جامعه‌شناختی در دوران ناصرالدین شاه قاجار از منظر سفرنامه «ایران و قضیه ایران» لرد کرزن با رویکرد شرق‌شناسی»، جمیلی کهنه‌شهری و نادری (۱۳۹۰)، با مطالعه نمونه موردی سفرنامه لرد کرزن به نام «ایران و قضیه ایران» و با رویکرد شرق‌شناسی، مؤلفه‌هایی که بیشتر در سفرنامه مذکور مشاهده می‌شد را استخراج کرده و بیان می‌کنند که شرق‌شناسی می‌تواند به‌عنوان راهی برای خودشناسی تلقی گردد.

در خصوص بررسی قالی در سفرنامه‌ها می‌توان به کتاب فضل‌الله حشمتی با عنوان تاریخ فرش: سیر تحول و تطور فرش بافی ایران، اشاره کرد. در این کتاب در بخش‌هایی به بیان توصیف‌های سفرنامه‌نویسان و ماموران کنسولی دول اروپایی در رابطه با قالی پرداخته شده و به مضامینی همچون کار کودکان و زنان، مواد اولیه قالی‌بافی و... می‌پردازد. ولی تاکنون با تکیه بر نظریات شرق‌شناسانه هیچگونه پژوهشی در خصوص نحوه مواجهه سفرنامه‌نویسان با قالی ایرانی انجام نشده است. تمرکز پژوهش حاضر بر رویکردهای شرق‌شناسانه در سفرنامه‌های عصر صفویه و قاجار است.

چارچوب نظری: شرق‌شناسی ادوارد سعید

به باور ادوارد سعید، مسافر، جهانگرد، کارشناس و یا نماینده اهل سرزمین‌های غربی هنگامی که به شرق قدم می‌گذارد هر آن چیزی که بدان می‌نگرد حاصل یک تفکر قالبی و پیش‌داوری است. این پیش‌داوری‌ها مبتنی بر وجود یک تمایز بودشناختی و معرفت‌شناختی

۴. کلیشه‌سازی:

شرق جایی است که انسان غربی در ذهن خویش بنا بر دلخواه خود خلق کرده و آن‌گونه که می‌خواهد شخصیت بخشیده است:

«آنچه که دنیای شرقی را هویت و قابلیت درک می‌بخشد نتیجه تلاش‌های خود آنان نبود، بلکه معلول یک رشته کامل از تدابیر و کارسازی‌های علمی پیچیده‌ای بود که از طریق آنها، غربی‌ها به شرق هویت بخشیده بودند» (همان، ۱۳۹۵: ۷۸).

۵. جداکردن راه خود از شرق:

انسان غربی به بیان تمایز بین خود و دیگری می‌پردازد: «فرهنگ اروپایی، از طریق جداکردن راه خود از - شرق»، به عنوان نوعی «خود» مخفی و یا قائم‌مقامی خویش قدرت و هویت کسب نمود» (همان، ۱۳۹۵: ۱۷).

۶. برتری مغرب:

نگاه یک مسافر شرق‌شناس همواره یک نگاه از بالا به پایین نسبت به شرق است. «...» هویت انسان اروپایی در مقایسه با تمام افراد و فرهنگ‌های غیر اروپایی در سطح متعالی‌تری قرار دارد» (همان، ۱۳۹۵: ۲۳).

۷. معادل‌سازی:

مسافر غربی با تکیه بر موقعیت برتر خویش، تمامی مشاهداتش را برپایه همین موقعیت برتر به قضاوت می‌نشیند: «در منظر انسان غربی، فرد شرقی همواره «شبیبه» به جنبه‌ای از غرب است» (همان، ۱۳۹۵: ۱۲۷).

با در نظر گرفتن مؤلفه‌های فوق، اگر با رویکرد سعید به سراغ سفرنامه‌های غربیان برویم، آیا نگاه مسافر غربی به قالی ایرانی حاوی ملاحظات یک آدم غربی است که ضمن توصیف این هنر ایرانی در صدد بازنمایی برتری فرهنگ غربی است؟ آیا آنچه درباره قالی ایرانی گفته شده با ملاحظات منافع و علایق غربیان همراه بوده است که تصورات پیشین خود از شرق را برای توصیف بکار بسته‌اند؟ آیا ماهیت قالی برای جهانگرد غربی، یک عامل

میان شرق و غرب است (سعید، ۱۳۹۵: ۱۵-۱۶). همواره عناصری که برای غربیان یادآور شرق و دنیای شرق است، با افسانه پیوند خورده است. به عبارتی شرق، دنیایی افسانه‌ای، عجیب و پر رمز و راز است که انسان غربی تمایل به شناخت آن دارد. البته بیگانه دانستن شرق به زمان یونانیان بر می‌گردد اما ادوارد سعید نقطه شروع شرق‌شناسی آکادمیک را از اواخر قرون هیجده ذکر می‌کند (سعید، ۱۳۹۵: ۱۶). وی شرق‌شناسی را «نوعی سبک غربی در رابطه با ایجاد سلطه، تجدید ساختار، داشتن آمریت و اقتدار بر شرق» تعریف می‌کند. هفت مؤلفه و عنصر مهم در گفتمان شرق‌شناسی که برای بررسی حاضر استخراج و مورد استفاده قرار گرفتند عبارتند از:

۱. حفظ منافع گیرنده:

سیاح در هنگام مواجهه با هر پدیده‌ای، آن را با محور قراردادن نیازهای خویش ارزیابی می‌کند. منظور از «گیرنده» در واقع همان انسان غربی است: «...» فرهنگ‌ها همواره تمایل داشته‌اند که فرهنگ‌های وارداتی دیگر را، نه بدان صورت واقعی که هستند و بلکه به صورتی که به خاطر حفظ منافع گیرنده باید آن گونه باشند، متحول نموده و سپس وارد کنند» (همان، ۱۳۹۵: ۱۲۷).

۲. حقارت شرق:

تصاویر ارائه شده، توصیفاتی از عقب‌ماندگی شرق نسبت به غرب و تمسخر و تحقیر است: «...» جوهره شرق‌شناسی را تمایز پابرجای و قلع و قمع ناشدنی بین برتری مغرب‌زمین و حقارت شرق تشکیل می‌دهد» (همان، ۱۳۹۵: ۸۱).

۳. حقایق فرضی:

سیاح مشاهدات محدود خود را به یک کل بزرگتر تعمیم داده و به نتیجه‌گیری می‌پردازد: «هیچ مطلب کلی که توسط ایشان اظهار می‌شود از اینکه به عنوان حقیقت اعلام شود محروم نمی‌ماند» (همان، ۱۳۹۵: ۹۴).

بیگانه و ناشناخته است؟

چنان که گفته شد در دوره صفویه نظریات شرق شناسی هنوز به شکل آکادمیک سامان نیافته بود، با این وجود آیا چنین نگاهی در یادداشت‌های سیاحان عصر صفویه دیده می‌شود؟ تفاوت‌های نگاه سفرنامه‌نویسان دوره صفویه و قاجاریه به قالی در چارچوب نگاه شرق شناسی چیست؟

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تطبیقی با رویکرد شرق شناسی ادوارد سعید است. برای تحلیل و استخراج داده‌ها از روش توصیفی کلایزی (مارو، ۲۰۱۵) بهره گرفته شد که متشکل از هفت مرحله است:

آشنایی با داده‌ها و مطالب (مطالعه مکرر متن‌های مربوط)

بازشناسی گزاره‌های اصلی و مهم (گزاره‌های اصلی مرتبط با پدیده مورد بررسی، مشخص شود)

۱. صورت‌بندی کردن معانی در گزاره‌های مستخرج

۲. دسته‌بندی کردن مضامین و موضوعات

۳. تدوین یه توصیف جامع از موضوع

۴. تهیه ساختار بنیادین موضوع

۵. جستجوی اثبات ساختار بنیادین

برای عملیاتی کردن مراحل یادشده، ابتدا سفرنامه‌ها مورد بررسی و مطالعه قرار گرفتند (مرحله نخست)؛ سپس مطالب مرتبط با قالی در تمامی سفرنامه‌های منتخب شناسایی و استخراج شد. این اطلاعات در برگزیده توصیف‌های مرتبط با قالی در همه زمینه‌ها بود (مرحله دوم)؛ در گام بعدی تلاش شد معنی هر یک گزاره‌های مستخرج در خصوص قالی مشخص شود (مرحله سوم)؛ سپس معانی استنباط شده در قالب موضوعات مختلف دسته‌بندی و سعی شد از اعمال هرگونه نظریه و پیش‌فرض خودداری شود (مرحله چهارم)؛ در اقدام بعدی مفاهیم و موضوعات مرتبط با قالی در سفرنامه‌ها به گونه‌ای مرتبط با یکدیگر به طور کامل شرح و بسط داده شد. (مرحله پنجم)؛ سپس تمامی توضیحات جامع در قالب بیانی کوتاه ارائه شد که فقط آن جنبه‌هایی را شامل می‌شد که برای فهم نحوه

مواجهه سفرنامه با قالی ضروری به نظر می‌رسید. چنین کاری با قراردادن مفاهیم، در ذیل مؤلفه‌های استخراج شده از نظریه ادوارد سعید انجام شد. (مرحله ششم)؛ در پایان به منظور تأیید و تصریح این ساختار اساسی (مؤلفه‌های شرق شناسی و توصیف‌های مرتبط با قالی در ذیل آن)، پژوهشگر مجدداً به بازبینی اطلاعات و داده‌ها پرداخت تا توصیف‌ها و تفسیرها به شکلی کاملاً منسجم و ساختارمند در قالب مؤلفه‌های شرق شناسی ارائه شود (مرحله هفتم).

برای انتخاب سفرنامه‌های مورد نظر، فراوانی انتشار یا اهمیت آنها از نظر این بررسی مورد توجه بود. با این وجود برای تأیید اهمیت موارد منتخب، به برخی تحقیقات و منابع مراجعه شد. یکی از این منابع کتاب ژان شیبانی با عنوان *سفر اروپاییان به ایران* بود. وی پنج جدول از بیشترین تعداد سفرنامه‌هایی که در دهه‌های متفاوتی از سال‌های ۱۸۰۰-۱۶۰۰ میلادی در اروپا به چاپ رسیده‌اند؛ منتشر کرده است. در این جداول فراوانی انتشار سفرنامه‌ها بر اساس میزان انتشار به همه زبان‌ها، میزان انتشار به زبان فرانسوی، و همچنین ذکر این آمار در دهه‌های متفاوتی از سال‌های ۱۶۰۰ تا ۱۸۰۰ میلادی است (شیبانی، ۱۳۸۴: ۳۷-۴۰).

سفرنامه‌های اولئاریوس، پیتر دلاواله، ژان تاورنیه و ژان شاردن، در تمامی جداول، ذکر شده و در واقع از جمله سفرنامه‌هایی هستند که طی سال‌های متفاوت، مکرراً انتشار یافته‌اند و بیش از همه خواننده داشته‌اند. همچنین در مقاله «بررسی انتقادی شش سفرنامه مهم اروپایی دوره صفویه»، شش سفرنامه دلاواله، تاورنیه، شرلی، اولئاریوس، شاردن و کمپفر به‌عنوان شش سفرنامه مهم دوره صفویه مورد بررسی قرار گرفته‌اند (رمضان نرگسی، ۱۳۹۰: ۱۱۹-۱۳۸). از این‌رو با استناد به یافته‌های شیبانی و نرگسی، در نهایت سفرنامه کروسینسکی و فیگوتروا نیز به این شش سفرنامه، اضافه و به‌عنوان منابع دوره صفوی، انتخاب شدند. از میان هشت سفرنامه منتخب دوره صفوی، در سفرنامه کروسینسکی به قالی ایرانی اشاره‌ای نشده است. همچنین در سفرنامه کمپفر، این توصیف‌ها محدود به ذکر کوتاهی از قالی بود. در نتیجه شش سفرنامه مورد

بررسی قرار گرفت.

در انتخاب مهم‌ترین سفرنامه‌های دوره قاجار نیز، در نهایت شانزده سفرنامه انتخاب و سفرنامه دروویل، موریه، دیولافوا، کلود آنه، پولاک، دالمانی و یادداشت‌های لرد کرزن بررسی و مابقی نیز به دلیل نپرداختن به موضوع قالی و بی‌اهمیتی، گذرا یا کوتاه بودن اشاره به قالی، کنار گذاشته شدند. یادآوری می‌شود در بررسی سفرنامه‌ها، به تأسی از حشمتی رضوی (حشمتی‌رضوی، ۱۳۹۳: ۵) واژه «قالی» به عنوان زیراندازی دارای پرز و گره، با واژه «فرش» به معنای گستردن و گسترده‌سازی جایگزین شده است. در تحلیل داده‌ها، ذیل هر مؤلفه، به ترتیب ابتدا سفرنامه‌های دوره صفویه و بعد از آن سفرنامه‌های دوره قاجار مورد تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق

حفظ منافع گیرنده

ذیل مؤلفه فوق، نمونه‌های مختلفی مشاهده شد. مسافر، در مواجهه با هر موضوع متضاد با خواسته‌ها و نیازهای خویش در شرق، خواهان در اولویت قرار دادن نیازهای خویش است. مسافر با محور قرار دادن خواسته خویش، از قالی برای رفع نیاز و آسودن استفاده می‌کند. چنانکه فیگوئروا، سفیر اسپانیا در دوره صفویه، برخوردی مشابه همچون دالمانی مسافر عهد قاجار دارد: «این کاروانسرا نیمه خراب بود [...] سفیر مطلقاً مایل به بیتوته در آن نبود اما رضایت داد که یکی از اطاق‌ها را تمیز کنند و کف آن را با قالی بپوشانند تا بتواند در آن غذائی بخورد و شب را به صبح آورد» (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۶۵).

اولتاریوس در بازدید از مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی، به توصیف تفاوت رفتار ایرانیان و همراهان غربی خودش پرداخته است که به تغییر هنجار و یا ارزش‌ها، مطابق میل خود تمایل داشتند:

«درگاهی جلوی در با قالی مفروش بود و اینجا نیز بایستی کفش‌هایمان را از پا خارج می‌کردیم. اگر چه در ابتدا سفر از این کار ناراحت بودند، ولی اگر می‌خواستند وارد مقبره شوند باید در این مورد بخصوص تسلیم خواست ایرانیان می‌شدند» (اولتاریوس، ۱۳۶۳: ۱۲۷).

تمامی وسایل و ابزار برای آسودن مسافر غربی سامان می‌یابد: «[سفیر] از روی اسب پیاده شد و روی چند قالی که با عجله و به همین منظور زبردختی پهن کرده بودند نشست» (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۶۴).

این مورد بیشتر در نحوه چیدمان فضاهای داخلی بناهای مسکونی دیده می‌شود. سیاح بدون توجه به تناسب طراحی و چیدمان آن فضا با زندگی یک ایرانی، سلیقه و نحوه زندگی او را نادیده گرفته و برای حفظ منافع خویش تلاش می‌کند:

«فرش‌های اعلا و گرانبهایی که سردار از روی علو همت به‌عنوان هدیه ما داده بود روی زمین انداخته و اطاق خود را زینت دادیم زیرا که بجز دو تخت‌خواب سفری و دو چمدان، اثاثه و مبلی در اطاق ما وجود نداشت» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۰۶۶).

در جایی از یادداشت‌های لرد کرزن نیز این تمایل به تغییر بر محوریت نیازهای خویش دیده می‌شود. وی در توصیف یک چاپارخانه آن‌جا را برای خود مناسب ندیده و خواستار یک قالی برای سر و سامان دادن به آن فضا است:

«از اسباب و لوازم زندگی مطلقاً چیزی ندارد. کف اطاق را جارو و از وجود حشرات تمیز کردن و گوش‌های از آن را با نمک یا قالیچه فرش نمودن [...] همه از عملیات مقدماتی ضروری است و گر نه آن لانه چرکین و چرند جای زیستن نخواهد بود» (کرزن، ۱۳۴۹: ۳۳۹).

قالی در دید مسافر غربی، ابزاریست برای رفع نیازهای شخصی بر محور نیاز خویش، آن‌طور که وی می‌پسندد حتی اگر در این مسیر ارزش‌های دیگری نادیده انگاشته شود.

حقارت شرق

از نظر سفرنامه‌نویس غربی، ایرانی، با هرگونه اثاثیه‌ای که بتوان به‌عنوان نشیمن از آن استفاده کرد «بیگانه» است. این «نادانی» و «نابلد بودن» ایرانی است که باعث شده وی به ناچار از قالی برای نشستن به جای مبل یا صندلی استفاده کند.

سیاح به دلیل عدم آگاهی از عوامل فرهنگی و یا به طور کلی پیشینه آداب رسوم ایرانیان که در نحوه و جای

جدول شماره ۱: سفرنامه‌های بررسی شده در هر دوره تاریخی

ردیف	نویسنده	عنوان سفرنامه	دوره تاریخی	اشاره به قالی ایرانی
۱	آدام اولتاریوس	سفرنامه آدام اولتاریوس	صفویه	*
۲	ادوارد پولاک	سفرنامه پولاک	قاجاریه	*
۳	آرنلد ویلسن	سفرنامه ویلسن	قاجاریه	*
۴	آلکس بارنز	سفرنامه بارنز	قاجاریه	*
۵	آنتونی و رابرت شرلی	سفرنامه برادران شرلی	صفویه	*
۶	انگلبرت کمپفر	سفرنامه کمپفر	صفویه	*
۷	پیترو دلاواله	سفرنامه پیترو دلاواله	صفویه	*
۸	جرج کرزن	ایران و قضیه ایران	قاجاریه	*
۹	جیمز بیلی فریزر	سفر زمستانی	قاجاریه	*
۱۰	جیمز موریه	سفرنامه جیمز موریه	قاجاریه	*
۱۱	چارلز فرانسیس مکنزی	سفرنامه شمال	قاجاریه	-
۱۲	دن گارسیا فیگوئروا	سفرنامه دن گارسیا فیگوئروا	صفویه	*
۱۳	ژاک دومرگان	هیئت علمی فرانسه در ایران	قاجاریه	-
۱۴	ژان تاورنیه	سفرنامه تاورنیه	صفویه	*
۱۵	ژان دیولافوا	ایران کلد و شوش	قاجاریه	*
۱۶	ژان شاردن	سفرنامه شاردن	صفویه	*
۱۷	ژوانس فووریه	سه سال در دربار ایران	قاجاریه	*
۱۸	سرپرسی سایکس	ده هزار میل در ایران	قاجاریه	-
۱۹	کارلا سرنا	آدم‌ها و آیین‌ها در ایران	قاجاریه	*
۲۰	کروسینسکی	سفرنامه کروسینسکی	صفویه	-
۲۱	کلود آنه	گل‌های سرخ اصفهان	قاجاریه	*
۲۲	کنت دو گوینو	سه سال در آسیا	قاجاریه	-
۲۳	گاسپار دروویل	سفرنامه دروویل	قاجاریه	*
۲۴	هانری رنه دالمانی	سفرنامه از خراسان تا بختیاری	قاجاریه	*

نشستن آنان بر روی زمین تأثیرگذار است، اینگونه قضاوت می‌کند. انسان غربی آگاه به تمامی امور و جوانب کارها حتی آداب خوابیدن است و با این تصور، خوابیدن ایرانی بر قالی را تحقیر می‌کند: «ایرانی‌ها مثل همه مشرق زمینی‌ها تخت‌خواب و بستر مرتفع را نمی‌دانند چيست، وقتی که می‌خواهند بخوابند یک تشک یا لحاف دولا کرده روی زمین که با قالی مفروش است پهن کرده خود را میان آن می‌پیچند» (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۳۷۶). چنین دیدگاهی را در هر دو دوره تاریخی مورد مطالعه، شاهدیم:

«هرگاه اتاقی به طرز شایسته‌ای با قالی مفروش شده باشد دیگر به نظر ایرانیان از نظر مبل و وسایل موجود در آن کامل شمرده می‌شود، زیرا در ذهن ایرانی مبل و طرز استفاده از آن محلی از اعراب ندارد» (پولاک، ۱۳۶۸: ۵۳ و ۵۴).

به عقیده سفرنامه‌نویس، این ناآگاهی، دلیل عدم به کارگیری اسباب و اثاثیه منزل است که منجر به سادگی و گاه خلوت شدن فضای داخلی خانه می‌شود. دروویل این سادگی را مورد تمسخر قرار می‌دهد؛ چون وی تنها سبک زندگی خود را برتر و قابل تحسین می‌داند:

«... [اثاث‌البیت خانه‌های ایران اعم از هر طبقه اجتماعی به قدری جزئی و معدود است که به زحمت می‌توان بدان نام اثاث‌البیت داد. در ایران از میز و صندلی و کاناپه و کمد و پرده‌ها و آئینه‌های قدنما و تخت‌خواب و غیره خبری نیست. قالی و نمد (کچه) تنها زینت منازل و تنها اثاثی است که در آن به چشم می‌خورد» (دروویل، ۱۳۸۹: ۱۰۳).

غربی‌ها به قالی‌هایی که کهنه و رنگ‌پریده‌اند علاقه‌مندند. اما مسافر غربی از آن‌ها به‌عنوان ارزشمند یاد نکرده و آن‌ها را «مستعمل» می‌پندارد. قالی‌هایی که دیولافوا آن‌ها غیر قابل استفاده می‌پندارد همان است که غربیان شیفته خرید آن هستند اما هنگامی که توسط یک ایرانی به کار برده می‌شود بی‌ارزش است:

«... [حصیرهای کاهی در کف اطاق‌ها افتاده که جابه‌جا تک فرش‌های کهنه‌ای روی آنها را می‌پوشانند. اگر این فرش‌های مستعمل قدیمی باشند در فرانسه بهای زیادی دارند» (دیولافوا، ۱۳۷۱: ۱۰۹).

پولاک نیز همچون دیولافوا علاقه خود را به قالی‌های کهنه کتمان کرده و با وجود اذعان به فریب دادن ایرانی، در نهایت با بی‌ارزش جلوه دادن کالا او را تحقیر می‌کند: «... [می‌خواستم سه فرش زیبای مستعمل را از یک نفر ایرانی بخرم. چون قیمت خواسته شده قدری بنظرم زیاد می‌آمد به رخ فروشنده کشیدم که این فرش‌ها دیگر کهنه شده است» (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۸۰).

استفاده از الفاظ تحقیر کننده در توصیف رنگرزی و مواد اولیه آن نیز دیده می‌شود. در این باره دالمانی می‌نویسد:

«... [رنگرزان ایرانی با ترکیبات شیمیایی کاملاً آشنا نیستند و نمی‌توانند برای تعدیل و ثبات رنگ‌ها مواد دیگری غیر از آنچه می‌شناسند استعمال نمایند» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۲۳).

حقایق فرضی

گاه سیاحان از گروه هنرشناسانی بودند که برای آن‌ها آثار هنری دوره‌های پیشین جذاب‌تر بود. مانند دالمانی که به جمع‌آوری وسایل عتیقه علاقه داشت. سعید می‌نویسد: «... [شرق‌شناسانی که متخصص امور عتیقه و باستانی بودند که در آن صورت آنچه برای ایشان اعتبار داشت، شرق «کلاسیک» (باستانی و قدیمی) بود و نه شرق اسفبار مدرن» (سعید، ۱۳۹۵: ۳۶۷). بدین ترتیب می‌توان دلیل علاقه برخی از سفرنامه‌نویسان عهد قاجار را به قالی‌های زمان صفویه دریافت. به طور مثال جیمز موریه در این رابطه می‌نویسد: «قالی‌های زمان شاه عباس بسیار بزرگ، به هنجارتر و بافت آنها از قالی‌های امروزی ایران بی‌اندازه بهتر است» (موریه، ۱۳۸۶: ۲۰۷). پولاک نیز در سفرنامه خود به همین نکته اشاره می‌کند و قالی‌های پیش از دوره قاجاریه را برتر می‌شمارد: «... [این صنعت نیز رو به زوال است. فرش‌هایی که دوپست سال پیش بافته شده است بر فرش‌های امروزی از نظر شکوه و جلال طراحی و زنده بودن بسیار برتری دارد» (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۸۰).

تمایز در نحوه مدیریت کارگاه‌ها و ساختار حکومتی، تفاوت در تولید آثار هنری در دوره قاجار و صفویه را در

قالی توسط ایرانیان امری بدیهی و روشی معمول است: « برای رنگ کردن الیاف آن [قالی] نیز از رنگ‌های غیر ثابت شیمیایی استفاده کرده بودند و این بلایی است که به زودی صنعت قالیبافی ایران را که بیشتر شهرتش به خاطر ثابت بودن رنگ‌های اصیل گیاهی آن بوده به نابودی خواهد کشانید. قسمتی از رنگ‌ها در اثر تابش نور خورشید تغییر یافته بود و تمام سطح قالیچه از قشر ضخیمی از گرد و خاک پوشیده شده بود. فروشنندگان تصور می کردند با این تمهید می‌توانند ثابت کنند که قالیچه به علت قدمت چنین خاک‌آلود و رنگ و رو رفته شده است و اگر آن را جارو بزنند و بشویند مثل جواهری خواهد درخشید، ولی فقط کافی بود نگاهی به تار و پود پشت آن بیندازیم تا معلوم شود آفتاب رنگ آن را برده است و اگر قطره‌های آب به قالیچه برسد تمام رنگ‌های جوهری آن در هم می‌دود» (کلود انه، ۱۳۷۰: ۲۴۹).

مسافر غربی معتقد است که همه قالی‌های کهنه‌نما شده به روشی که او شاهدش بوده انجام می‌گیرد و مشاهده خود را به تمامی قالی‌های کهنه‌نما تعمیم می‌دهد:

«نظر به اینکه اروپاییان طالب فرش‌های کهنه هستند ایرانیان فرش‌های تازه را در مدت کمی کهنه کرده و به آنها می‌فروشند. برای این کار فرش را در معابر عمومی می‌اندازند تا مردم و حیوانات از روی آن عبور کنند ولی با این ترتیب فرش خراب می‌شود و پشم آن از میان می‌رود و ممکن است تارهای آن هم پاره شوند» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۴۱).

مؤلفه «حقایق فرضی» در سفرنامه‌های دوره صفویه به چشم نخورد؛ و بیشتر در سفرنامه‌های دوره قاجار دیده می‌شوند که با توجه به تعریف این مؤلفه، به نظر می‌رسد شرق مورد علاقه شرق‌شناسان، شرق دوران صفویه است و سفرنامه‌نویس، قالی‌های این دوره را به عنوان قالی مورد نظر خود انتخاب می‌کند.

کلیشه‌سازی

سیاح با تکیه بر ایده‌های خود، درباره قالی اظهار نظر کرده و حتی برای خلق شرقی که می‌پسندد پیشنهاداتی

پی‌داشت؛ اما سفرنامه‌نویسانی که در دوره قاجار به ایران سفر کرده‌اند تنها بر اساس مشاهده نمونه‌هایی، به این نتیجه رسیده و نگاهی تعمیم‌دهنده دارند. سیاح مشاهدات خود را حتی با وجود عدم قطعیت، به عنوان حقیقتی غیر قابل انکار به مخاطب انتقال می‌دهد. چنین نگاهی را دالمانی از قول یکی از نویسندگان آمریکایی، چرچیل ریپلی بیان می‌کند:

«بنا به عقیده او [ریپلی] در فرش‌های ایرانی نقشه‌ای دیده نمی‌شود که اساس آن از مذهب اسلام اتخاذ شده باشد بلکه تمام نقشه‌ها مربوط است به زمانه‌ای بسیار دور و اصول آنها مربوط به آئین زردشت است، این آیین باستانی آثار محو نشدنی و جاویدانی در مصنوعات تزیینی ایران باقی گذارده که تاکنون هم باقی هستند» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۲۶-۱۲۸).

افت کیفیت در الیاف، رنگرزی و نقش‌پردازی قالی‌های عهد قاجار وجود داشت اما بیان این که تمام قالی‌های تولید شده در این دوره، اشکال و نقص داشتند جای تأمل دارد:

«شتابزدگی در فرش‌بافی که رقابت با فرش‌های ارزان اروپایی را تسهیل کرده باشد، اصالت طرح و جنس فرش ایران را دچار خطر ساخته و به تولید فرش‌های یک نواخت منجر شده است. چه اندازه زننده و ناگوار است که موقع خریدن فرش جدید ایرانی شرط اصلی احتیاط آن خواهد بود که خریدار با دستمال تر، رنگ فرش را امتحان کند و انسان هیچ گاه از ثبات رنگ آن اطمینان ندارد، مگر آنکه حتما فرش کهنه خریداری کرده باشد» (کرزن، ۱۳۴۹: ۶۲۴).

این به گفته کرزن «شتابزدگی»، در آماده‌سازی مواد اولیه قالی‌بافی نیز وجود دارد و در نوشته‌های دالمانی نیز دیده می‌شود: «در شستن و تمیز کردن پشم آنطور که لازم است دقت نمی‌کنند و به همین علت است که پس از مدتی حشره‌ای در فرش تولید می‌شود و به خوردن پشم‌های آن مشغول می‌شود و فرش را از میان می‌برد» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۲۲).

کلود انه دیگر مسافر عصر قاجار هم در رابطه با کیفیت رنگرزی الیاف قالی اظهار نظر کرده است. از نظر سفرنامه‌نویسان عهد قاجار به کار بستن تقلب در تولید

شصت پا است و دو نفر نمی‌تواند آن را حمل بکند. از روی قالی، دورادور تالار را در مقابل دیوار با تشک‌های کوچکی (مخده یا مخدع‌هایی) به پهنای سه پا مزین می‌سازند» (شاردن، ۱۳۳۶: ۲۲۴).

این تمایز از نگاه سیاح در نحوه گسترده قالی بر زمین نیز به چشم می‌خورد:

«... [در اصفهان و نقاط دیگر چندین بار من دستم را به زیر نمدهای زیر قالی که بدون تخته‌پوش به روی زمین گسترده شده است گذاردم، به فکر اینکه احساس رطوبتی خواهم کرد، ولی آن را همیشه خشک یافتیم. اما اگر ما به طرز ایرانیان در اروپا روی زمین فرش بیاندزیم در اکثر نواحی در آخر سال پوسیده خواهیم یافت» (همان، ۱۳۳۶: ۲۲۵-۲۲۶).

مادام کارلا سرنا در دوره قاجار نیز توصیفی مشابه آنچه که شاردن در دوره صفویه از نحوه گسترده قالی مطرح کرده بود، ارائه می‌کند:

«اسباب و اثاث عمده هر خانه ایرانی عبارت از فرش‌های خوش نقش و نگاری است که آنها را روی هم انداخته‌اند. روی کف اتاق‌ها، که مانند سایر قسمت‌های بنا، از کاهگل است، ابتدا حصیر و روی آن نمد ضخیم و بعد فرش‌هایی در اندازه‌ها و بافت‌های مختلف پهن می‌کنند» (سرنا، ۱۳۶۲: ۷۳).

مسافر غربی دائماً به مخاطب خود یادآوری می‌کند که زندگی ایرانیان از زندگی «ما» متمایز است:

«اثاث البیت در نزد ایرانیان معنی دیگری دارد، وقتی که در فرانسه صحبت اثاث‌البیت به میان می‌آید فوراً میز و صندلی و قفسه کمد و غیره بخاطره می‌آید [در کشور ایران اثاث‌البیت بسیار عالی و ممتاز اطاق ثروتمندان مرکب است از یک قالی و چند قالیچه گران‌بها و چند عدد مخده نرم و طاقچه‌هایی که در میان دیوارها نمایان هستند]» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۳۳۵ و ۳۳۶).

یادآوری رسم و رسوم «آن‌ها» به مخاطب از جمله ویژگی‌هایی است که ذیل مؤلفه جدا کردن راه خود از شرق قرار می‌گیرد:

را مطرح می‌کند. او تلاش می‌کند که با تکیه بر ایده‌های خود به شرق و عناصر آن از جمله قالی، شخصیتی مورد پسند خویش ببخشد:

«گاهی نقشه‌های اروپایی به کارخانه‌ها می‌دهند که نقاشان شرقی آنها را روی کاناوا می‌آورند ولی این نقشه‌ها به طوری که باید از کارخانه بیرون نمی‌آیند و غالباً دارای معایب نواقصی هستند، بهتر آن است که نقشه‌ها را به سلیقه و ذوق نقاشان شرقی واگذارند تا مانند سابق فرش‌های مطلوبی از کارخانه‌ها بیرون آورند» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۲۴ و ۱۲۵).

جدا کردن راه خود از شرق

تفاوت و تمایز میان خودی و دیگری در رابطه با قالی بیشتر در توصیفِ اثاث منازل ایرانی مشاهده می‌شود. چیدمان متفاوت منازل ایرانی، آداب نشستن و دیگر هنجارهای زندگی یک ایرانی، با غرب متمایز است. دلاواله، مسافر ایتالیایی عصر صفویه فضای یک خانه ایرانی را اینگونه توصیف می‌کند:

«... [همانطور که می‌دانید در ایران تمام اطاق‌ها با قالی‌های اعلا مفروش است که در روی آنها می‌نشینند و شمع و چراغ را نیز روی آن می‌گذارند. ...] امروز هم در این دیار مردم به روی قالی می‌نشینند و همان‌جا غذا می‌خورند و همانجا می‌خوابند بدون اینکه از لحاظ مبل و اثاثیه و تخت‌خواب و غیره مشکلی داشته باشند. ما در اروپا با داشتن این همه اسباب و اثاثیه گرفتاری‌های زیادی برای خود به وجود آورده‌ایم در حالی که در مشرق زمین حتی در جنگ نیز سربازان اثاثیه خانه خود را به همراه می‌برند و همان راحتی خانه را دارند یعنی همین بس که با خود قالی و وسایل آشپزخانه و تشک و لحاف و امثالهم داشته باشند تا به فوریت در هر کجا که اطراق کنند منزل تمیز و راحتی برای خود فراهم سازند» (دلاواله، ۱۳۴۸: ۲۱۱).

چنین توصیفی را از دیگر سیاح عصر صفویه یعنی شاردن نیز شاهدیم:

«... [کف اتاق را ابتدا با یک طبقه نمد ضخیمی مستور می‌سازند، آنگاه از روی آن حسب وسعت تالار یک یا دو قطعه قالی می‌گسترند. بعضی از این فرش‌ها

ووجه مختلف مشاهدات خود را دارد اما به هر روی می‌توان توصیف‌های وی را ذیل همین مؤلفه قرار داد. این توصیفات اغلب از وجود تمایزات در آداب و رسوم و فرهنگ میزبان، فرم ابنیه سنتی و... ناشی می‌شود.

برتری مغرب

دالمانی از پزشکی فرانسوی می‌گوید که در ایران با اتاقی بدون تخت‌خواب مواجه شد و زمانی که علت آن را پرسید در پاسخ شنید که:

«تخت‌خواب در این جا معمول نیست و باید در روی فرش بخوابید. دکتر از این پاسخ تعجب کرده گفت چگونه ممکن است که انسان روی فرش بخوابد؟ [...] دکتر ما می‌توانست جواب دهد و آنچه را که شما برای من فراهم کرده‌اید برای کسانی خوب است که از طفولیت با آنها عادت کرده باشند اما برای ما اروپاییان یک تخت‌خواب چوبی یا یک پتو بیشتر از این قالی و قالیچه‌ها ارزش خواهد داشت» (همان، ۱۳۳۵: ۳۳۶).

مسافر به گونه‌ای برتری‌جویانه، خود را از مردمان شرق و آداب و رسوم شرقی جدا کرده؛ و به برتر بودن آداب خواب یک انسان غربی می‌بالد. مادام دیولافوا درباره ملاقات با همسر نائب‌الحکومه دزفول می‌نویسد که زنان اندرونی او را به نشستن بر یک صندلی که سال‌ها پیش برای یک مسافر غربی تعبیه شده بود دعوت می‌کنند:

«من موقرانه بر روی این صندلی نشستم و بی‌بی شمس جو و دوستان متعدّدش به دور من جمع شدند و بر روی فرش چمباتمه نشستند و تمام آنها به نوبت سه دفعه از من احوالپرسی کردند و من هم به آنها پاسخ دادم» (دیولافوا، ۱۳۷۱: ۶۸۱ و ۶۸۲).

توصیف دیولافوا از نشستن خود بر صندلی «موقرانه» است در حالی که بقیه زنان علی‌رغم تعلق به طبقه مرفه جامعه بر روی قالی «چمباتمه» زده‌اند. علاوه بر این توصیف، حتی جایگاه نشستن وی بر صندلی و نگاه به زنانی که بر روی قالی نشستند از لحاظ فیزیکی دیدی از بالا به پایین است و به گونه‌ای فرادستانه بودن مسافر

«در اینجا صندلی ندارند و ما بر روی قالی‌ها نشستیم من نمی‌توانستم به طرز آنها دو زانو بنشینم چهار زانو نشستم آنوقت سفیر عثمانی به پادشاه گفت که رسم انگلیس‌ها بر این است که بر روی صندلی می‌نشینند [...] پادشاه شنید فوراً باطاق دیگر رفت و به غلام بچه‌های خود اسبابی را داد پیش ما آوردند که روی آن بطری‌های شراب می‌گذارند. خلاصه آن را بنیان گذارده قالیچه گلدوزی بر روی آن انداخته و پادشاه به من امر کرد که بر روی آن بنشینم» (شرلی، ۱۳۵۷: ۷۲). مسافر، گاه ضمن تحسین خصایص و یا هنجارهایی کشور میزبان، آنها را مناسب به‌کارگیری در سرزمین خود می‌داند:

«همین که گلیم کهنه و پاره شد مرده‌ها را در آن پیچیده و از ایران به کربلا منتقل می‌کنند و بعد از آن هم این فرش‌ها مخصوصاً قالی و قالیچه‌های کهنه به اروپا می‌آیند و مورد پسند ما واقع می‌گردند. [...] ایرانیان عموماً فرش‌های تازه استعمال می‌کنند و از فرش‌های کهنه که ما با اشتیاق تمام از آنها می‌رباییم تنفر دارند [...] من عقیده آنها را می‌پسندم و قابل تمجید می‌دانم زیرا که انتقال و تغییر آب و هوا نمی‌تواند این فرش‌های کثیف را که در جلو مغازه‌های بزرگ و پرثروت پاریس و لندن آویخته شده‌اند پاک کند و بر گران‌بهایی آنها بیافزاید. این همان فرش کثیفی است که لاشه مرده را انتقال داده است» (دیولافوا، ۱۳۷۱: ۵۰۹).

دالمانی به تحسین جایگذاری قالی در زیر صندلی پرداخته است:

«چقدر خوب است که نمایندگان پارلمان ما هم به انجمن شورای اصفهان تأسی کرده و در هنگام انعقاد جلسات رسمی از چنین فرش‌های استفاده نمایند زیرا که اولاً با تنبلی که خوی نمایندگان است مساعد باشد و ثانیاً در موقع گستردن آن صدای گوش‌خراش مرتب کردن میز و نیمکت‌ها شنیده نمی‌شود» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۹۸۱).

به نظر می‌رسد که سفرنامه‌نویس تنها قصد بازنمایی

جدول شماره ۲: مولفه‌های شرق‌شناسی در هر دوره تاریخی

دوره تاریخی	حفظ منافع گیرنده	حقارت شرق	حقایق فرضی	کلیشه‌سازی	جدا کردن راه خود از شرق	برتری مغرب	معادل‌سازی
صفویه	*	*	-	-	*	-	*
قاجاریه	*	*	*	*	*	*	*

ممکن باشد از خفت و تحقیر او کوتاهی نمی‌کند، مثلاً فرش‌بافان نام او را پائین‌قالی یا قالیچه به طور برجسته‌ای نمایش می‌دهند تا در زیر پای واردین لگدکوب شود» (همان، ۱۳۳۵: ۱۹۵ و ۱۹۶).

توصیف فوق نشان می‌دهد که سیاح در توصیف‌های قالی با تکیه بر فرهنگ خویش، برای فهم یا تفسیر آنچه در قالی مشاهده می‌کند، به معادل‌سازی دست می‌زند. مسئله‌ای که سیاح با آن روبرو می‌گردد تنها زمانی برای وی قابل باور خواهد بود که معادل مشابهی در دنیای غرب در ذهنش ترسیم شود.

نتیجه‌گیری

هدف بررسی حاضر شناخت دیدگاه‌های سفرنامه‌نویسان دو دوره صفوی و قاجار در مورد قالی ایرانی و فهم منطق نهفته در این دیدگاه‌ها بود. برای شناخت نظرات سفرنامه‌نویسان از روش توصیفی-تطبیقی و برای تحلیل داده‌ها از روش کلایزی استفاده شد. تبیین منطق نهفته در سفرنامه‌ها (و نیز توضیح تفاوت این دیدگاه‌های سیاحان در دو دوره صفویه و قاجار) با تکیه بر برخی مؤلفه‌های رویکرد شرق‌شناسی ادوارد سعید همچون: «حفظ منافع گیرنده»، «حقارت شرق»، «حقایق فرضی»، «کلیشه‌سازی»، «جدا کردن راه خود از شرق»، «برتری مغرب» و «معادل‌سازی» صورت گرفت. در سفرنامه‌های دوره صفویه مؤلفه‌های «حفظ منافع گیرنده»، «حقارت شرق»، «جدا کردن راه خود از شرق» و «معادل‌سازی» و در سفرنامه‌های دوره قاجار علاوه بر مؤلفه‌های مشاهده شده در دوره صفویه سه مؤلفه دیگر یعنی «حقایق فرضی»، «کلیشه‌سازی» و «برتری مغرب» نیز دیده شد.

و فرودست بودن دیگران را تشدید می‌کند. گویی که صندلی جایگاه بزرگان است و قالی جایگاه فرودستان.

معادل‌سازی

فیگوئروا نماینده پادشاه اسپانیا با مشاهده قالی‌هایی که در حیاط دفتر کار شاه عباس گسترده شده، دست به مقایسه زده و مشاهداتش را با پیش‌زمینه ذهنی، به صحنه متأثر تشبیه می‌کند. برای او تصویری که می‌بیند جایگزینی جز صحنه متأثر ندارد و بلافاصله برای آن معادلی ترسیم می‌کند: «در فاصله ده دوازده پائی پیرامون استخر و نزدیک دفتر گروهی مرد بر قالی‌هایی نشسته بودند و بدین ترتیب تصویر یک آمفی‌تئاتر واقعی با کثیری تماشاگر پدید آمده بود» (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۶۹).

مبنای قضاوت‌ها و استدلال‌های سفرنامه‌نویس غربی، گذشته، خاطرات و تجربیاتی است که وی از سر گذرانده و با استناد به نفس خویش پیشامدها را توصیف می‌کند:

«دوشیزگان نیز در ایام نامزدی قالی‌های بسیار نفیسی می‌بافند و آنها را بعنوان جهیز با خود به خانه شوهر می‌برند. این قالی‌ها، به منزله حلقه طلایی است که اروپائیان در موقع ازدواج با هم مبادله می‌کند و باید همیشه با خود داشته باشند» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۲۵).

دالمانی در رابطه با آداب ازدواج در ایران توضیحاتی مشابه مطرح کرده و به مقایسه عقاید مسیحیان با شیعیان می‌پردازد:

«... [همانطور که عیسویان قرون وسطی از ژودا متنفر بودند شیعیان هم از عمر متنفر هستند و پیوسته به او لعنت می‌فرستند و تا هر اندازه که

در دوره صفویه به ایران سفر می‌کرده‌اند در بسیاری از موارد به دعوت شاه عباس و به دلایل سیاسی به ایران وارد شدند. ارتباط ایشان با زندگی عامه مردم، کم‌رنگ بود. در نتیجه مواردی که در سفرنامه‌ها ذکر کرده‌اند بیشتر با زندگی دربار پیوند خورده است. این سفرنامه‌نویسان، تحت تأثیر شکوه کارگاه‌های شاهی در دوره صفویه قرار گرفته و توصیف‌اتشان اغلب ویژگی‌های منحصر به فرد قالی این دوران را بر می‌شمارد. به همین دلیل مؤلفه‌های «برتری مغرب» در سفرنامه‌های دوره صفویه در رابطه با قالی دیده نمی‌شود. البته باید یادآوری کرد که نبود مطالعات آکادمیک شرق‌شناسی در قرن شانزدهم و هفدهم میلادی در غرب که با دوران حکومت صفویان متقارن است، مانعی برای سفرنامه‌نویسان در اعمال منطق شرق‌شناسی نبوده و برخی از این مؤلفه‌ها در سفرنامه‌های این دوره نیز دیده می‌شود.

در دوره قاجار، مطالعات شرق‌شناسی در غرب به صورت مدون شکل گرفته است این اولین تفاوت میان دو دوره تاریخی مورد بحث است. تفاوت در مسافران دوره قاجار با دوران صفویه منجر به تفاوت در نوع نگاه به شرق و قالی می‌شود. می‌توان گفت که نگاه مسافران عصر قاجار برخوردار از منطق و پیش‌زمینه‌ای شرق شناسانه است. اطلاعاتی که از سفرنامه‌های این دوره به دست آمده (به دلیل افزایش خانگی‌باف‌ها و نبود نظارت دربار) بیشتر حول زندگی مردم عامه است. در این دوره به دلیل درباری نبودن کارگاه‌های قالیبافی، اطلاعات دقیق‌تری از اوضاع درونی آن‌ها در اختیار ما قرار می‌گیرد. با مطالعه سفرنامه‌های این دوره، پیوند عمیق قالی با زندگی روزمره مردم - از عروسی گرفته تا عزا- را در می‌یابیم. به نظر می‌رسد نزدیکی سفرنامه‌نویسان به زندگی مردم عامی در عهد قاجار و فراهم شدن امکان مقایسه فرهنگ‌ها، وجود مؤلفه «برتری مغرب» در سفرنامه‌های دوران قاجار را توجیه می‌کند؛ همچنین مؤلفه‌های استخراج شده در سفرنامه‌های این دوره به دلیل معاشرت و هم‌نشینی با مردم عامه و حضور در فضاهای اندرونی منازل، نسبت به دوره صفویه پررنگ‌تر دیده می‌شود.

نتایج بررسی سفرنامه‌های دوره صفویه نشان داد که در مؤلفه «حفظ منافع گیرنده»، قالی به مثابه ابزاری برای پاسخ گفتن به نیازهای مسافر غربی است. او برای رفع این نیازها بدون توجه به خواسته میزبان، انتظار تغییر هنجارها را دارد. در شاخصه «حقارت شرق» او حتی فراتر رفته و انتخاب‌های یک ایرانی را در نوع کاربری و مواد اولیه تحقیر می‌کند. همچنین در موارد متعدد مشاهده شد که سیاح میان خود و زندگی ایرانی تمایزهای بسیار می‌یابد؛ تفاوت سلیقه در انتخاب قالی‌های نو به جای قالی کهنه، نشستن و خوابیدن بر قالی و به طور کلی هر انتخابی که از سوی ایرانی انجام می‌گیرد، در نظر سیاح متمایز می‌نماید (که گاه با تحسین نیز همراه است). چنین تمایزهایی بخشی از روند «جدا کردن راه خود از شرق» به شمار می‌آید و بالاخره «معادل‌سازی» زمانی اتفاق می‌افتد که سفرنامه‌نویس غربی به جای بازنمایی کاربرد قالی در عروسی‌ها، مراسم مذهبی و ... مراسم مشابه در زندگی یک غربی را مبنا قرار داده و به بازگویی آن‌ها می‌پردازد. در بررسی سفرنامه‌های دوره قاجار (علاوه بر مؤلفه‌های پیشین)، این نتایج هم به دست آمد که در این دوره سفرنامه‌نویسان با اهداف غیرسیاسی همواره به دنبال آثار ارزشمند کهن و تاریخی متعلق به دوره صفویه بودند؛ از این رو برشمردن نکات مثبت قالی‌های دوره صفویه و باور به غیرقابل اعتنا و بی‌کیفیت بودن تمام قالی‌های دوره قاجار، از پیش‌زمینه «حقایق فرضی» سرچشمه می‌گیرد. جهانگرد غربی دوره صفویه را دوران شکوه و عظمت قالی ایرانی می‌داند و قالی‌های عصر قاجار هیچ نشانی از آن قالی‌های باشکوهی که وی در ذهنش ابداع کرده، ندارند. با چنین تصویری تلاش برای برساخت نوعی معینی تاریخ انجام می‌شود و «کلیشه‌سازی» شکل می‌گیرد. سفرنامه‌نویس در حین مقایسه به برتری فرهنگ غرب باور دارد. شرقی‌ها از دید سفرنامه‌نویسان دوره قاجار، فرودستانی هستند که شایستگی داشتن اثاثیه‌ای غیر از قالی را ندارند و مؤلفه «برتری مغرب» را بر ما نمایان می‌کند.

همچنین مقایسه مؤلفه‌ها و تمایز دیدگاه‌های سیاحان دو دوره مورد مطالعه نشان داد که مسافرانی که

پی‌نوشت‌ها

۲۱. کمپفر می‌نویسد: «کف عمارت را که با صعود از دو پله مرمری سفید به آن می‌توان رسید با قالی‌های قیمتی فرش کرده‌اند» (کمپفر، ۱۳۶۳، ص. ۲۲۳).

22. Gaspard Drouville
23. James Justinian Morier
24. Jane Dieulafoy
25. Claude Anet
26. Jakob Eduard Polak
27. Henry Rene D'Allemagne
28. George Curzon
29. Churchill Riply

کتابنامه

اسماعیلی مهرا، حمید؛ بیگدلی، علی؛ ادیسی، مهری. (۱۳۹۶)، *بررسی اخلاق اجتماعی ایرانیان در سفرنامه‌های اروپایی (سفرنامه‌های دوره صفویه و قاجار)*، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش ۲۹، ۷۱-۹۲.

آقاببیگی، فرامرز. (۱۳۹۲)، «پوشاک زنان کرد ایران در سفرنامه‌های دوره صفوی تا پایان پهلوی»، *مجله مطالعات ایرانی*، سال ۱۲، ش ۲۲، ۱-۱۹.

انصاف‌پور، غلامرضا. (۱۳۶۳)، *ایران و ایرانی به تحقیق در صد سفرنامه خارجی*، تهران: کتاب‌فروشی زوآر.

آنه، کلود. (۱۳۷۰)، *گل‌های سرخ اصفهان ایران با اتومبیل*، ترجمه فضل‌الله جلوه، تهران: نشر روایت.

اولتاریوس، آدام. (۱۳۶۳)، *سفرنامه اولتاریوس*، ترجمه احمد بهپور، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.

بارنز، الکس. (۱۳۷۳)، *سفرنامه بارنز*، ترجمه حسن سلطانی‌فر، مشهد: ۱۳۷۳.

پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۱)، *سفرنامه پولاک ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

تاورنیه، ژان باپتیست. (۱۳۳۶)، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، تهران: انتشارات کتابخانه سنائی.

تائبی، زهرا؛ حیدری، فاطمه. (۱۳۹۴)، «بررسی گفتمان پسااستعماری و نمودهای آن در ترجمه سفرنامه یکسال در میان ایرانیان»، *مطالعات زبان و ترجمه*، ش ۲۰، ۵۳-۷۴.

جمیلی کهنه‌شهری، فاطمه؛ نادی، زینب. (۱۳۹۰)، «دوسوگرایی جامعه‌شناختی در دوران ناصرالدین شاه قاجار از منظر سفرنامه «ایران و قضیه ایران» لرد کرزن با رویکرد

1. Xenophon

۲. به طور مثال می‌توان به کتاب *زن ایرانی* به روایت سفرنامه‌نویسان فرنگی نوشته میترا مهرآبادی اشاره کرد که در آن به بررسی وجوه مختلف زندگی زنان ایرانی پرداخته است (مهرآبادی، ۱۳۷۹). همچنین کتاب *ایران و ایرانی* به تحقیق در صد سفرنامه خارجی (انصاف‌پور، ۱۳۶۳)، و همین‌طور مقاله‌های «پوشاک زنان کرد ایران در سفرنامه‌های دوره صفوی تا پایان پهلوی» (آقاببیگی، ۱۳۹۲)، «نگاهی به لباس اندرونی زنان در سفرنامه سیاحان عصر قاجار» (سموعی، ۱۳۹۳)، «تحلیل کیفیت بازنمایی مقام سلطنت در گفتمان سفرنامه نویسی عصر صفوی» (رضایی پناه و شوکتی مقرب، ۱۳۹۵)، «آداب ازدواج ایرانیان در دوره قاجار از منظر سفرنامه‌ها» (منصوریخت و حسینی، ۱۳۹۴)، «وضعیت اجتماعی زنان در دوره صفوی با تکیه بر دیدگاه سفرنامه نویسان» (دنیاری، ۱۳۹۴)، از دیگر پژوهش‌هایی هستند که در رابطه با سفرنامه‌ها انجام گرفته است.

3. Stereotype

۴. حمید نساج (۱۳۹۱) در مقاله «مؤلفه‌های قوام‌بخش شرق‌شناسی در اندیشه‌های ادوارد سعید»، مؤلفه‌هایی را از خلال آثار مربوط به شرق‌شناسی استخراج؛ و در نهایت ۱۱ شاخص را به‌عنوان مؤلفه‌های مشترک در ادبیات پسااستعماری معرفی و بیان می‌کند که تمامی این عوامل زیر عنوان مؤلفه‌های شرق‌شناسی قرار می‌گیرند. برای اطلاع و مقایسه به شاخص‌های استخراج شده توسط وی رک: (نساج، ۱۳۹۱: ۱۳۶-۱۳۲)

5. For The Benefit Of The Receiver

6. Oriental Inferiority

7. Theoretical Truth

8. The East Identified By The West

9. Setting The West Off Against The Orient

10. Western Superiority

11. Domestications Of The Exotic

12. Exotic

13. Colaizzi

14. Jeanne Chaybany

15. Adam Olearius

16. Pietro Della Valle

17. Jean- Baptiste Tavernier

18. Jean Chardin

19. Robert & Thomas Shirley

20. Engelbert Kaempfer

شرق شناسی». دو فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء، سال ۲۱، دوره جدید ش ۸، ۳۶-۱.

حشمتی رضوی، فضل الله. (۱۳۸۷)، تاریخ فرش سیر تحول و تطور فرش بافی ایران. تهران: سازمان سمت.

دارا، جلیل؛ بابامیرساحی، محمد. (۱۳۹۷)، «ویژگی های شرق شناسانه نگاه لرد کرزن به ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۷۶، ۸۵-۱۰۴.

دالمانی، هانری رنه. (۱۳۳۵)، سفرنامه از خراسان تا بخارا. ترجمه علی محمد فره‌وشی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر.

دروویل، گاسپار. (۱۳۸۹)، سفرنامه دروویل، ترجمه جواد محبی، تهران: نیک فرجام.

دلاواله، پیتر. (۱۳۴۸)، سفرنامه پیتر دلاواله قسمت مربوط به ایران، ترجمه دکتر شعاع‌الدین شفا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران.

دنیاری، سکینه. (۱۳۹۴)، «وضعیت اجتماعی زنان در دوره صفوی با تکیه بر دیدگاه سفرنامه‌نویسان»، فصلنامه جندی‌شاپور، دانشگاه شهید چمران، س ۱، ش ۳، ۲۳-۳۹.

دومرگان، ژاک. (۱۳۳۸)، هیئت علمی فرانسه در ایران، ترجمه کاظم ودیعی، تبریز: چهر.

دیولافوا، ژان. (۱۳۷۱)، ایران کلد و شوش، ترجمه علی محمد فره‌وشی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

رضایی‌نیا، امیر؛ شوکتی‌مقرب، سمیه. (۱۳۹۵)، «تحلیل کیفیت بازنمایی مقام سلطنت در گفتمان سفرنامه‌نویسی عصر صفویه»، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام، س ۱۷، ش ۳، ۱۵۲-۱۲۱.

رمضان نرگسی، رضا. (۱۳۹۰)، «بررسی انتقادی شش سفرنامه مهم اروپایی دوره صفوی»، سال ۲۰ ش ۱۷۰، ۱۱۹-۱۳۸.

زند، زاگرس. (۱۳۸۹)، «بررسی تطبیقی پژوهش‌های ایران شناسی غربی و شرق‌شناسی (با تکیه بر بازنمایی فرهنگ مردم ایران در سفرنامه‌های اروپاییان در دوره قاجار)»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۱۱، ش ۴۲، ۱۵۳-۱۸۲.

زینی‌وند، تورج؛ امیری، پروین. (۱۳۹۶)، «تصویرشناسی فرهنگی ایرانیان در آینه سفرنامه پولاک»، تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۴۰، ۲۳-۳۹.

سایکس، سرپرسی. (۱۳۳۶)، ده هزار میل در ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: ابن‌سینا.

سرنه، کارلا. (۱۳۶۲)، آدم‌ها و آیین‌ها در ایران سفرنامه مادام کارلا سرنه، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: کتاب‌فروشی

زوار. سعید، ادوارد. (۱۳۹۵)، شرق‌شناسی، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

سموعی، زهرا. (۱۳۹۳)، «نگاهی به لباس اندرونی زنان در سفرنامه سیاحان عصر قاجار»، فصلنامه تاریخ نو، سال ۴ ش ۷، ۱۰۳-۱۲۰.

سیوری، راجر. (۱۳۷۲)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.

شاردن، ژان. (۱۳۳۶)، سیاحتنامه شاردن (ج ۴). ترجمه محمدعباسی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر.

شرلی، رابرت؛ شرلی، آنتونی. (۱۳۵۷)، سفرنامه برادران شرلی، ترجمه آوانس، تهران: منوچهری.

شیبانی، ژن رز فرانسواز. (۱۳۸۴)، سفر اروپاییان به ایران، ترجمه سید ضیاء‌الدین دهشیری، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.

فریز، جیمز بیلی. (۱۳۶۴)، سفر زمستانی، ترجمه منوچهر امیری، تهران: توس.

فووریه، ژوانس. (۱۳۸۵)، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال، تهران: علم.

فیگوتروآ، دن گارسیا. (۱۳۶۳)، سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوتروآ، ترجمه غلام‌رضا سمیعی، تهران: نشر نو.

کرزن، جرج. (۱۳۴۹)، ایران و قضیه ایران. ترجمه غ. وحید مازندرانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

کروزینسکی، یوداش تادیوش. (۱۳۶۳)، سفرنامه کروزی‌نسکی، ترجمه عبدالرزاق دنبلی، تهران: توس.

کمپفر، انگلبرت. (۱۳۶۳)، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران: خوارزمی.

گوبینو، ژوزف آرتور. (۱۳۸۳)، سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: قطره.

مکنزی، چارلز فرانسیس. (۱۳۵۹)، سفرنامه شمال، ترجمه منصوره اتحادیه، تهران: نشر گستره.

منصوربخت، قباد؛ حسینی، معصومه. (۱۳۹۴)، «آداب ازدواج ایرانیان در دوره قاجار از منظر سفرنامه‌ها»، خردنامه، ش ۱۵، ۱۱۷-۱۴۱.

مهرآبادی، میترا. (۱۳۷۹)، زن ایرانی به روایت سفرنامه‌نویسان فرنگی، چ ۱، تهران: انتشارات آفرینش - نشر روزگار.

موریه، جیمز. (۱۳۸۶)، سفرنامه جیمز موریه سفر یکم، ترجمه ابوالقاسم سری، چ ۱، تهران: انتشارات توس.

میرزایی، حسین؛ رحمانی، جبار. (۱۳۸۷)، «فرهنگ و شخصیت ایرانیان در سفرنامه‌های خارجی»، فصلنامه تحقیقات

فرهنگی، س ۱، ش ۳، ۵۵-۷۷.
نساج، حمید. (۱۳۹۱)، «مؤلفه‌های قوام‌بخش شرق‌شناسی در
اندیشه ادوارد سعید»، مجله دانش سیاسی و بین‌الملل، سال
۱ ش ۲، ۱۲۹-۱۴۵.
ویلسن، آرنلد. (۱۳۴۷)، سفرنامه ویلسن، ترجمه حسین سعادت
نوری، تهران: وحید.

Morrow, R. Rodriguez, A. and king, N. (2015).
Collaizzi's Phenomenological Method. The
Psychologist, 28(8), 643-644.